خاطرات زندگی سیاسی من

گلشائیان، عباس قلی

برای روشن شدن دهن خوانندگان باید بگویم اگر در این شرفیابی مرحوم امیر خسروی‏ و آقای صالح با آن جریان که اشاره شد خود را کاملا باخته بودند و قیافه مشخص و محتضر داشتند عجیب نیست چون به تصدیق تمام‏ اشخاص که در مدت سلطنت اعلیحضرت فقید ؟؟؟ می‏ترسیدند و وحشت داشتند.

خوب بخاطر دارم روزی که با مرحوم داور در مسافرت فارس بودیم سر سفره ناهار در استانداری که مرحوم؟؟؟استاندار بود.

همین صحبتها پیش‏آمد و مرحوم داور گفتند من که از بدو حکومت اعلی‏حضرت با ایشان‏ همکاری داشتم و امروز که وزیر دارائی هستم‏ مورد نهیت لطف ایشان میباشم محال است‏ هر موقع که شرفیاب می‏شوم تشویش نداشته باشم‏ و؟؟؟دروغ‏ گفته است

2lخود من مکرر در موقع شرفیابی و در جلسات هیئت دولت که با حضور ایشان تشکیل‏ می‏شد گفته مرحوم داور را تصدیق میکنم.

خلاصه آقای صالح ترک خدمت کردند و با اصرار مرحوم امیر خسروی حاضر به ادامه‏ خدمت نشدند سهل است برای اینکه مورد باز- خواست نشوند تهران را ترک کرده به کاشان‏ رفتند.

رفتن آقای صالح برای من خیلی سخت‏ بود چون با ایشان پانزده سال همکار بودیم‏ چه در دادگستری و چه در دارائی بالاخص در چندسال اخیر که اطاق دفتر ما به هم چسبیده‏ بود و گاهگاهی درد دل میکردیم چون بعد از رفتن مرحوم داورنه آن علاقه را به کار از طرف‏

جمال امامی

2lوزیر وقت می‏دیدیم نه احترام و رفتاری که‏ داور با ما میکرد.

در اینجا باید صریحا بگویم علاوه بر- دوستی که فیمابین ما بود بنظر من ایشان یکی‏ از مامورین بسیار صدیق و درستکار و علاقمند ب کشور میباشد و مورد احترام من است چه‏ در ایامی که بعد از شهریور شوم کشور دچار هرج‏ و مرج بود ایشان را مومن به نظریاتش تشخیص‏ دادم نه مثل اکثر رجال واشخاص که به آسانی‏ صد و هشتاد درجه چپ‏گرد میکنند و بقول‏ معروف هر روز ب رنگی در میایند و مصداق‏ گفته مرحوم جمال امامی هستند یعنی عضو،

امیر خسروی

حزب باد که با توجه به سوابق اشخاص نه در قرنهای گذشته بلکه در همین چندسال اخیر نظایر آنرا زیاد دیده و می‏بینیم البته آقایان پیرو شاعر دمدمی‏مزاج عرفی میباشند که گفت: چنان با خوب و بد از مردنت عرفی‏ مسلمانت به زمزم شوید و کافر بسوزاند مرحوم امیر خسروی که وزیر دارائی شدند بجای ایشان مرحوم فرزین قائم مقام بانک‏ ملی شد.از همان روزهای اول بین آنها اختلاف‏ در گرفت.علت این بود که مرحوم امیر خسروی‏ یک عده از مامورین بانک را که مورد حمایت‏ و علاقه‏اش بو به وزارت دارائی منتقل کرد. از قبیل دکتر کیان،دکتر احتشام،دکتر کاویانی،خوش کیش،فرمانفرمائیان و عده‏ای‏ دیگر.

مرحوم فرزین ناراحت شد چون اگر این‏ نقل و انتقالات ادامه پیدا میکرد،مسلم به- کار بانک لطمه وارد میآورد بنابراین از قبول‏ تقاضای انتقال خودداری و موجب کشمش‏ بین آندو گردید،اقدام مرحوم امیر خسروی هم‏ از دو جهت بود.یکی اینکه با اعضاء وزارت‏ دارائی آشنانی نداشت دیگر آنکه این آقایان‏ مورد اطمینان ایشان بوده و مدتی با آنان کار کرده بود بخصوص این عدم آشنائی به رؤسای‏ وزارت دارائی تنها نبود با آقای صالح هم زیاد مربوط نبودند.ولی من با ایشان مربوط بودم‏ چون هفته‏ای یکی دو بار با ایشان در بانک ملی‏ عصرها ملاقات میکردم.سبب ملاقات من هم‏ 2lارتباط کاری بود.چون اولا یکی از شرکتهای‏ انحصاری که تشکیل شده بود شرکت قماش بود که‏ پنجاه درصد سهامش متعلق ببانک ملی بود و پنجاه درصد مربوط ب وزارت دارائی.

مرحوم امیر خسروی رئیس هیئت مدیره شرکت‏ بودند و چون شرکت جزو کارهای اقتصادی‏ وزارت دارائی بود من که مسئول کارهای اقتصادی‏ وزارت دارائی در زمان مرحوم داور بودم طبعا با ایشان تماس داشتم و مقدمه آشنائی و دوستی‏ ما بود.ثانیا عضو شورایعالی بانک نیز بودم‏ و جریان انتخاب من به عضویت شورا تفصیلی‏ دارد که ذیلا بیان مینمایم:

بانک ملی ایران که در تاریخ اردیبهشت‏ 1306 تاسیس شده بود اساسنامه مدونی نداشت‏ و تمام اختیارات بانک با مدیر کل آن بود مرحوم امیر خسروی که از افسران قزاقخانه بود پس از تاسیس بانک سپه مدیر کل آن بانک شد و بعد به امر اعلیحضرت فقید برای مطالعه‏ و تحصیل ب فرانسه رفته بود و در مراجعت‏ مدیر کل بانک ملی شد وی روی حسن نیت‏ و تئوریهای اقتصادی که با اوضاع و احوال‏ هر کشوری در عمل اشکالاتی دارد اقداماتی‏ میکرد که گاهی موجب درد سر برای دولت میشد.